

۱۵۷۶۷۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اتقالات اسلامی بہ روایت اسناد ساواک

استاذ کرمان

کتاب چہارم

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

بهار ۱۳۹۶

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک: استان کرمان / مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۹۵.

۱۵ ج.: مصور (رنگی)

شابک دوره: ۸-۰۹۵-۱۴۹-۶۰۰-۹۷۸ ج: ۱: ۵-۰۹۶-۱۴۹-۶۰۰-۹۷۸ قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال؛
ج: ۲: ۲-۰۹۷-۱۴۹-۶۰۰-۹۷۸ قیمت: ۲۸۰۰۰۰ ریال؛ ج: ۳: ۳-۰۹۸-۱۴۹-۶۰۰-۹۷۸ قیمت:
۲۸۰۰۰۰ ریال؛ ج: ۴: ۴-۰۹۹-۱۴۹-۶۰۰-۹۷۸ قیمت: ۲۷۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

ج. ۲-۴ (چاپ اول: ۱۳۹۶) (فیبا)

کتابنامه.

ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- کرمان (استان) -- اسناد و مدارک

سازمان اطلاعات و امنیت کشور -- اسناد و مدارک

Sazman Etela'at va Amniyat Keshvar -- Sources and documents

Iran -- History -- Islamic Revolution, 1979 -- Kerman (Province) -- Sources

ایران -- تاریخ -- اسناد و مدارک، ۱۳۲۰-۱۳۵۷ اسناد و مدارک

Iran -- History -- Pahlavi, 1925-1978 -- Sources

ایران -- وزارت اطلاعات مرکز بررسی اسناد تاریخی

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ الف ۸۵۴ DSP

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۳۰۷۲۷

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۱۶۶۰۰

شناختنامه

عنوان: انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان کرمان (کتاب چهارم)

ناشر: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

چاپ اول: بهار ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۶-۰۹۹-۱۴۹-۶۰۰-۹۷۸ (کتاب چهارم)

ISBN: 978 - 600 - 149 - 099 - 6 (VOL.4)

شابک دوره: ۸-۰۹۵-۱۴۹-۶۰۰-۹۷۸

ISBN: 978 - 600 - 149 - 095 - 8 (VOL. SET)

<http://www.historydocuments.ir>

E_mail: info@historydocuments.ir

صندوق پستی: ۴۷۳۵-۱۹۳۹۵

قیمت: ۲۷۰۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است

فهرست مطالب

سخن ناشر	پنج
مقدمه	نه
ابره‌ای بهران در آسمان ایران	نه
بازتاب شهادت آیت‌الله سید مصطفی خمینی در استان کردستان	یازده
واکنش‌ها به قیام ۱۹ دی قم	دوازده
سایر موضوعات	شانزده
اسناد	۱
فهرست اعلام	۳۳۷
ضمائم	۳۵۱
تصاویر	۳۷۳

سخن‌ناش

نهضت امام خمینی که از سال ۱۳۴۲ وارد تقابل جدی با رژیم شده بود در طول نزدیک به دو دهه فراز و نشیب‌های فراوانی را طی کرده و در حال نزدیک شدن به اوج خود بود. سال ۱۳۵۶ یکی از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین سال‌های نهضت امام بود. در این سال روند رویدادها و حوادث نشان داد که تمام تلاش‌های رژیم برای محو نام و یاد امام با اثر بوده و اقدامات رژیم برای ساختن جامعه‌ای بر مبنای الگوهای مورد نظر رژیم به شکست انجامیده است. این مجلد می‌کوشد تا بر اساس اسناد ساواک روند رویدادها و وقایع را در نیمه دوم سال ۱۳۵۶ در استان کرمان مورد بررسی قرار دهد. مهم‌ترین محورهای اسناد این مجموعه شامل اقدامات انقلابیون در نیمه دوم سال ۱۳۵۶، شهادت آیت‌الله سیدمصطفی خمینی، قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ قم و ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ تبریز و انعکاس آن در استان کرمان است. در پایان ذکر نکاتی چند برای فهم بهتر موضوع ضروری است:

۱- این مجلد شامل اسناد مبارزاتی مردم استان از ۱۳۵۶/۷/۷ تا ۱۳۵۶/۲/۲۹ است. از آنجایی که برخی از اسامی در مجلدات قبلی گویا سازی شده اند، لذا در این جلد از تک آنها خودداری شده است.

۲- به رغم برخی ذهنیت‌های ناشی از عملیات روانی ساواک، بسیاری از فعالیت‌ها و تحرکات انقلابیون از دید منابع ساواک مخفی مانده است، لذا گزارش‌های موجود و اسناد منتشره الزاماً بیانگر سیمای کامل فعالیت‌های مخالفان رژیم ستمشاهی نمی‌باشد.

۳- برای گردآوری این مجموعه، کلیه پرونده‌های انفرادی و موضوعی مربوط به استان کرمان مورد بررسی و بهره‌برداری قرار گرفته و در گزینش اسناد، سندهای تکراری حذف شده است. در میان سندهایی که محتوای مشابه داشته‌اند، اولویت به سندی داده شده که حجم بیشتری از جزئیات موضوع را دربر داشته است. ضمناً اسناد تایپ شده به مشابه دستنویس آن ترجیح داده شده است.

۴- عناصر مهم و مؤثر اعم از زندگینامه مختصر رجال، شرح وقایع، مکان‌های تاریخی و ... که نیاز به

گویاسازی داشته، انجام و در ذیل اسناد ارائه شده است. گویاسازی‌ها در برخی از اسناد به صورت توضیح سند با سندی دیگر می‌باشد.

۵- در بعضی از اسناد عباراتی مانند: بایگانی شود، امضای مسئولین ساواک، شماره پرونده، دستور اقدام، پی‌نوشت و ... به کار رفته است که عیناً با قلمی متفاوت از متن اصلی حروفچینی شده است. ۶- به علت آمدن تصاویر اسناد، از حروفچینی سربرگ‌سندها خودداری و صرفاً به درج مبدأ، مقصد، تاریخ، شماره و موضوع اکتفا شده است.

۷- اسناد به ترتیب تاریخ گزارش واقعه تنظیم شده و پس از آن اولویت به: تاریخ وقوع، تاریخ رسیدن خبر، به منبع، تاریخ رسیدن خبر به رهبر عملیات و تاریخ پی‌نوشت است.

۸- در برخی گزارش‌های ساواک، نظریه‌هایی وجود دارد که از شخص نظردهنده با کلمات رمز یاد شده است. این کلمات رمز معمولاً اسامی روزهای هفته و معنای آنها به شرح زیر است:

نظریه شنبه: نظریه جمع نفوذی ساواک (گزارشگر) است که از طریق مشاهده مستقیم یا از راه‌های دیگر کسب خبر نموده است.

نظریه یکشنبه: نظریه رهبر عملیات است که گزارش منبع نفوذی را تأیید یا تحلیل می‌کند.

نظریه دوشنبه: نظریه رئیس اداره عملیات است.

نظریه سه‌شنبه: نظریه رئیس امنیت است.

نظریه چهارشنبه: نظریه رئیس سازمان اطلاعات و امنیت منطقه است.

نظریه جمعه: نظریه رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان است.

۹- در سربرگ‌سندها برخی علائم با رمز آمده است که به آنها مبدأ و یا مقصد نامه‌ها و گزارش‌ها است که منظور از آن رمزها عبارتند از:

۱- (ساواک گیلان)، ۲- (ساواک مازندران)، ۳- (ساواک آذربایجان شرقی)، ۴- (ساواک آذربایجان غربی)، ۵- (ساواک کرمانشاه)، ۶- (ساواک خوزستان)، ۷- (ساواک فارس)، ۸- (ساواک کرمان)، ۹- (ساواک خراسان)، ۱۰- (ساواک اصفهان)، ۱۱- (ساواک سیستان و بلوچستان)، ۱۲- (ساواک کردستان)، ۱۳- (ساواک همدان)، ۱۴- (ساواک سمنان)، ۱۵- (ساواک لرستان)، ۱۶- (ساواک بوشهر)، ۱۷- (ساواک هرمزگان)، ۱۸- (ساواک کهگیلویه و بویراحمد)، ۱۹- (ساواک چهارمحال و بختیاری)، ۲۰- (ساواک تهران)، ۲۱- (ساواک قم)، ۲۲- (ساواک اراک)، ۲۳- (ساواک قزوین)، ۲۴- (ساواک ایلام)، ۲۵- (ساواک زنجان)، ۲۶- (ساواک یزد).

۱۰- همچنین مبدأ یا مقصد نامه‌ها و گزارش‌های مربوط به اداره کل سوم ساواک (امنیت داخلی) به اعداد رمز عنوان شده است. اداره کل سوم از هفت بخش تشکیل می‌شد که عبارت بودند از: ۱- مدیریت اداره کل سوم ۲- اداره یکم عملیات و بررسی ۳- اداره دوم عملیات و بررسی

۴- اداره سوم کل سوم ۵- اداره چهارم کل سوم ۶- اداره پنجم کل سوم ۷- اداره ششم کل سوم.
 اجزاء اداره یکم عملیات و بررسی شامل: ۳۱۰ (دفتر اداره یکم عملیات و بررسی)، ۳۱۱ (بخش احزاب و دستجات کمونیستی)، ۳۱۲ (بخش احزاب و دستجات سیاسی و مذهبی افراطی)، ۳۱۳ (بخش هدف‌های تازه و فعالیت‌های مربوط به عرب‌زبانان ناراحت و بلوچ‌های حاد ایرانی)، ۳۱۴ (اکراد) و ۳۱۵ (فعالیت‌های خارجی) بوده است.

اجزاء اداره دوم عملیات و بررسی شامل: ۳۲۰ (دفتر اداره دوم عملیات بررسی)، ۳۲۱ (بخش دانشگاه تهران)، ۳۲۲ (بخش دانشگاه‌ها و مراکز عالی آموزشی تهران)، ۳۲۳ (بخش دانشگاه‌ها و مراکز عالی آمریسی استان‌ها و شهرستان‌ها) و ۳۲۴ (بخش آموزش و پرورش و مدارس در تهران و استان‌ها و شهرستان‌ها) بوده است.

اجزای اداره کل سوم شامل: ۳۳۰ (دفتر اداره سوم کل سوم)، ۳۳۱ (بخش ممالک اسکاندیناوی و اروپای شرق)، ۳۳۲ (بخش کشورهای اروپای غربی)، ۳۳۳ (بخش آمریکا، کانادا و آمریکای جنوبی و مرکزی) و ۳۳۴ (بخش خاورمیانه و کشورهای غربی و ممالک آسیا و آفریقا) بوده است.

اجزای اداره چهارم کل سوم شامل: ۳۴۰ (دفتر اداره چهارم کل سوم)، ۳۴۱ (بخش احزاب و دستجات راست، انجمن‌ها و اتحادیه‌های دولتی، دانشجویی، ۳۴۲ (بخش وزارتخانه و ادارات و سازمان‌های دولتی)، ۳۴۳ (بخش کارگری)، ۳۴۴ (بخش اصناف و بازرگانان)، ۳۴۵ (بخش کشاورزان و امور زراعی)، ۳۴۶ (بخش عشایر و قاجای اسلحه و مهمات و کالا)، ۳۴۷ (بخش جراید و سینما و تلویزیون)، ۳۴۸ (بخش نارضایتی‌های عمومی) و ۳۴۹ (بخش روابط عمومی) بوده است.

اجزای اداره پنجم کل سوم شامل: ۳۵۰ (دفتر اداره پنجم کل سوم)، ۳۵۱ (بخش دکترین و آموزش و سازمان و وظایف رهبران عملیات امنیت داخلی)، ۳۵۲ (بخش اسرار و کنترل مکاتبات) و ۳۵۳ (بخش منابع و مأموران و گروه‌های تعقیب و مراقبت) بوده است.

اجزای اداره ششم کل سوم شامل: ۳۶۰ (دفتر اداره ششم کل سوم)، ۳۶۱ (بخش فیش)، ۳۶۲ (بخش بایگانی) و ۳۶۳ (بخش بررسی و تجزیه) بوده است.

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

مقدمه

ابره‌های بحران در آسمان ایران

سرانجام پس از نزدیک به ۵۲ سال سلطنت دودمان پهلوی که ویژگی اصلی‌اش غرب‌گرایی و دور شدن از فرهنگ اسلامی بود، ابرهای سیاسی سال ۱۳۵۵ بر سپهر سیاسی ایران خودنمایی کردند. اگرچه بحران جرقه‌هایش در سال ۱۳۵۶ رد شد، اما ریشه‌های آن به سال‌ها قبل و خصوصاً پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ باز می‌گشت. انتخابات امریکا فضای باز نسبی پس از آن در سال ۱۳۵۵ نشان داد که جامعه‌ی ایرانی در سطح بسیار بالایی از بحران قرار گرفته است. اینکه چرا این بحران به رغم اقدامات رژیم و حامیان بین‌المللی‌اش با تمام امانات صادره و معنوی به شکست انجامید، موضوعی است که در جاهای دیگر به آن پرداخته شده است. در این کتاب سرفاً به این موضوع اشاره می‌کنیم که استمرار در مبارزه و ثبات قدم یاران امام در حفظ آرمان‌های انقلاب اسلامی نقش بسیار مهمی در این پیروزی داشت. اسناد این مجموعه نیز تأییدی بر این ادعاست و نشان می‌دهد که نیروهای انقلابی در یک فرایند ۱۵ ساله با وجود همه‌ی فرازها و نشیب‌ها خط مبارزه را ادامه داده و به همین دلیل در بزنگاه‌های مهم سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ نهایت استفاده را از آن برده‌اند. تغییر دولت امیر عباس هویدا پس از ۱۳ سال و جایگزینی آن با جمشید آموزگار که سومین کابینه مورد حمایت امریکایی‌ها بود اولین نشانه‌های احساس خطر در سال ۱۳۵۶ بود. جمشید آموزگار که سال‌ها در آرزوی این سمت بود، اکنون به عنوان ناخدای کشتی طوفان زده‌ی رژیم با تبختر اولین نطق‌هایش را در مقام نخست‌وزیر ارائه می‌کرد. رژیم به گذران بودن این طوفان و نجات مانند شهریور ۱۳۲۰ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ امیدوار بود، اما این بار شرایط کاملاً متفاوت بود و رهبری و مردم در بزنگاه ۵۷ از تجربه خوبی برخوردار بودند.

استان کرمان و روحانیت آن در سال ۱۳۵۶ در شرایط پر بیم و امیدی قرار داشت. اسناد این مجموعه روایتی است از بیم‌ها و امیدها در این مقطع سرنوشت‌ساز. اقدامات ماموران امنیتی و نظامی رژیم تا قبل از آبان ماه سال ۱۳۵۶ همان وظیفه‌ای بود که در کنترل و مهار انقلابیون در این سال‌ها ایفا می‌کردند. کنترل کتاب‌ها و جلوگیری از انجام شعائر دینی و حتی اخراج برخی افراد از ادارات به دلیل انجام فرائض دینی بخشی از این کارها بود.

از نکات قابل تامل و توجه در این مجلد اشاراتی است که در اسناد به مذهبی شدن دانشگاه و افزایش رتاز، و دختران محجبه در نیمه‌ی اول سال ۱۳۵۶ است. این موضوع به وضوح نشان می‌دهد که تقابل رژیم و نیروهای مذهبی در یک کشمکش چند دهه‌ای به نفع نیروهای مذهبی رقم خورده است.

در اواسط دهه ۱۳۵۰، ساواک با انتشار اعلامیه‌هایی جعلی کوشید تا میان نیروهای مذهبی شکاف و درستی ایجاد کند. این سیاست غیراخلاقی را رژیم از دهه‌ی چهل و با انتشار اعلامیه‌ها و عکس‌هایی از برخی حرم‌های مطرح اجرا کرده بود. این اقدامات آنگونه که در اسناد ساواک نیز بارها به آن اشاره شده مورد توجه مردم قرار نگرفت. در استان کرمان در تابستان سال ۱۳۵۶ چندین اعلامیه علیه حضرت امام روحانیون منتشر شد که بازتابی در سطح جامعه پیدا نکرد. در سند زیر اداره کل سوم ساواک خواستار انتشار اعلامیه‌هایی در سطح استان کرمان شده است:

«بدین وسیله ۲۵ برگ اعلامیه به پیوست ایفاد می‌گردد خواهشمند است دستور فرمایید اعلامیه‌های مزبور را توسط منابع و همکاران در محله‌های مختلف و همچنین سایر امکانات موجود در مناطق و محل‌هایی که مرکز تجمع طلاب و روحانیون را دارند متعصب مذهبی است به نحو غیرمحمسوس و به صورتی که دخالت ساواک در توزیع این اعلامیه مشخص نباشد توزیع و نتیجه را با تعیین عکس‌العمل افراد مطالعه کننده اعلامیه مزبور و جناح‌های مختلف وابسته به جامعه روحانیت اعلام دارند.»^۱

در همین سال چند اعلامیه‌ی دیگر از جمله برخی سؤال و جواب‌ها راجع به دکتر علی شریعتی و همچنین اعلامیه‌ای علیه حضرت امام (ره) در سطح استان منتشر شد. در سندی از ساواک آمده است:

۱. سند مورخه ۱۳۵۶/۵/۱۲ شماره ۳۱۲/۲۹۶۹ و سند مورخه ۱۳۵۶/۵/۱۹ شماره ۱۸۲۸۵/۵/۳. از همین مجموعه. در مورد بازتاب‌های این اعلامیه نک: ۱۳۵۶/۵/۱۲ شماره ۸۷۴۸/۵، و سند مورخه ۱۳۵۶/۶/۱۲ شماره ۵۰۰۸/۵. جلد ۳، از همین مجموعه

«اخیراً اعلامیه‌ای که مطالب آن علیه خمینی و به امضای جامعه مسلمانان قم بوده وسیله پست جهت فتح‌اله اسماعیلی یکی از کارمندان منطقه ذغال‌سنگ پابدانا در محدوده شهرستان زرند ارسال شده است و اسماعیلی پس از دریافت و آگاهی از مفاد آن موضوع اعلامیه مذکور را با مجید انصاری واعظ که در ایام محرم در این منطقه به سر می‌برد در میان گذاشته و انصاری در جواب اظهار داشته از این اعلامیه‌ها برای من هم فرود تاده‌اند و من فکر می‌کنم نشر و ارسال آنها یا کار سازمان امنیت است یا کار فرقه بهائیان. ولی احتمال فرستادن آن وسیله سازمان امنیت بیشتر است و می‌خورند با این کار، روحانیت را تضعیف نمایند.

نظریه شنبه. [این اعلامیه‌ها جهت چند نفر دیگر نیز در منطقه فرستاده شده و عده‌ای عقیده دارند که سال آنها توسط خود دولت انجام گرفته است.]^۱

بازتاب شهادت آیت‌الله سید مصطفی خمینی در آستان کرمان

شهادت آیت الله سید مصطفی خمینی در ۱۳۵۶ ه. ش را باید مهم‌ترین واقعه پس از تبعید امام (ره) در سال ۱۳۴۳ در ارتباط با انقلاب اسلامی دانست. این اتفاق دردآور، فضای سیاسی و اجتماعی ایران را دچار التهاب کرده و رژیم تا پایان حیات سیاسی‌اش نتوانست از تبعات آن خارج شود. برگزاری مراسم ترحیم و ارسال تلگراف برای حضرت امام، مول‌ترین واکنش مردم و روحانیت به این حادثه بود. در خلال مراسم ترحیم واعظ به درجاء علانی و معنوی امام (ره) و فرزند ارشدشان اشاره کرده و به تدریج فضای سیاسی - اجتماعی کشور برای مبارزه آماده کردند. در شهرهای مختلف استان کرمان مراسم ترحیمی به همین منظور برگزار شد و رژیم پس از مدت‌ها در انفعال قرار گرفت.

«طبق گزارش شهربانی سیرجان در تاریخ ۱۳۵۶/۲۵۳۶/۸/۶ از طرف آقایان شیخی محمدصادق کریمیان پیشنماز مسجد صاحب‌الزمان و شیخ عباس کربلانی شهر بابک واعظ و حاج حسن ستوده نیاکرانی و حاج حسین ایران‌نژاد نوفروش و عده‌ای دیگر از روحانیون سیرجان در مسجد مهدیه و در تاریخ ۱۳۵۶/۲۵۳۶/۸/۷ از طرف شیخ محمد رحمتی پیشنماز مسجد جامعه در مسجد فوق مراسم ترحیمی به مناسبت فوت سید مصطفی موسوی فرزند ارشد روح‌اله خمینی تشکیل و کلیه روحانیون و عده

زیادی از کسبه و فرهنگیان در مجالس مورد نظر شرکت نموده‌اند.^۱

مراسم چهلّم نیز در شهرهای مختلف با شرکت تعداد کثیری از مردم برگزار شد. نکته قابل توجه در این مراسم بی‌توجهی و عاظم به تهدیدات رژیم و سخنرانی و عاظم ممنوع‌المنبر بود. در سند زیر به این موضوع اشاره شده است:

«مجلس ترحیم چهلّمین روز فوت فرزند خمینی از طرف روحانیون رفسنجان به وسیله شیخ عباس پورمحمدی ماهونکی در مسجد سقاخانه آن شهرستان برگزار که در آن شیخ محمدمهدی موحّدی فرزند عباس که قبلاً متعهد شده بود از سخنان تحریک‌آمیز خودداری و حساسیتی در مورد خمینی از خود نشان ندهد منبر رفته و پیرامون آزادی، دینداری و احزاب جهان مطالبی ایراد و اظهار داشته احزاب هر روز عوض می‌شوند یا منبر می‌گردند ولیکن علت آنکه دین اسلام برجای مانده و سیله رهبران اسلام به آنند حضرت فاطمه که یکی از سربازان اسلام بوده و امامان خصوصاً حضرت امام خمینی که در زمان خودش به نحوی که زمان اقتضاء می‌کرده برای حفظ و نگهداری دین اسلام، جان‌فشانی و جهاد نموده است و آنگاه یادآوری کرده از آن زمان تاکنون که چها، ده، بیست می‌گذرد برای حفظ و نگهداری دین اسلام به وسیله پیروان و نمایندگان آنها فعالیت شده و سرانجام در مورد افرادی که قصد از بین بردن دین اسلام را داشته‌اند اشاره‌ای به امام بن یزید [زیاد] نموده است و وی سپس اظهار داشته این مجلس به خاطر چهلّمین روز درگذشت یکی از سربازان راستین و پیرو حق و عدالت و سرباز شجاع و مبارز اسلام که دست تقدیر نخواسته بیش از این در جهان فعلی باشد به نام آیت‌الله و آیت‌الله سید مصطفی خمینی در این موقع حاضرین در مجلس (صلوات فرستادند) برگزار شد. مراسم به خاتمه برای مرجع تقلید دعا نموده است.^۲

واکنش‌ها به قیام ۱۹ دی قم

در ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ روزنامه اطلاعات مقاله‌ای را از طرف وزارت دربار دریافت کرد که محمدرضا پهلوی دستور چاپ و انتشار آن را داده بود. این مقاله که امضای مستعار رشیدی مطلق را داشت، بازتاب بسیار زیادی در کشور به دنبال داشت. در این مقاله که عنوان «ایران و استعمار

۱. سند مورخه ۱۳۵۶/۸/۲۲ شماره ۵۵۲-۹-۵۷ و سند مورخه ۱۳۵۶/۸/۹ شماره ۸/۹۲۶۸ ه. همین مجلد

۲. سند مورخه ۱۳۵۶/۹/۲۴ شماره ۸/۹۹۲۷ ه. و سند مورخه ۱۳۵۶/۹/۲۱ شماره ۵۷۲-۹-۵۷ ه. همین مجلد

سرخ و سیاه» را داشت اتهاماتی به مرجعیت و حضرت امام وارد شده بود. اولین واکنش به این حادثه در ۱۹ دی در قم به وجود آمد و در نتیجه‌ی آن، تعدادی از طلاب به شهادت رسیدند. اقدام رژیم در سرکوب طلاب در قم، مردم سایر شهرهای کشور را نسبت به ماهیت واقعی رژیم آگاه‌تر کرد و در نتیجه اعتراضات گسترده‌ای را به وجود آورد. در استان کرمان روحانیت در مناسبت‌های مختلف به این واقعه پرداخته و نسبت به آن اعتراض می‌کرد:

«نامبرد بالا محمدعلی انصاری^۱ در تاریخ ۳۶/۱۰/۲۰ در مجلس ختمی که در مسجد حاج شیخ بهرستان رفسنجان به واسطه فوت سیدیعی افسح هجری برگزار شده بود منبر رفته و پیرامون مقاله روزنامه اطلاعات در هفدهم دی‌ماه سال جاری اظهارات تحریک‌آمیزی نموده و جلسه ختم افسح هجری موقعیت مناسبی به دست نامبرده و شیخ عباس پورمحمدی نمودن که از وقایع اخیر ناراحت می‌باشند داده است واعظ یادشده مرتب در بالای منبر راجع به روحانیت و پیشوای مسلمین سخنرانی و در لفافه از خمینی تعریف نموده و واعظ دیگری به نام سیدرضا تقوی فرزند علی اهل دامغان و ساکن قم که چند روز پیش به شهرستان رفسنجان آمده مطالبی علیه مطبوعات اظهار نموده و در مجلس فوق بنویس دی منبر اظهار داشته در قم عده‌ای کشته شده‌اند و من نمی‌توانم صحبت نمایم از من خبر بیاور آمده است ضمناً محمدعلی انصاری نوقی در جلسه مذکور و در تکیه حبابیه^۲ سخنرانی گفته است «امام حسین گفت اگر بر ملتی امثال یزیدها حکومت کن باید آنچه آن ملت را خوانند» ای خواهران و برادران نمی‌دانید این روزها چقدر دلمان پر از غم است نمی‌توانیم چیزی بگوییم ای پیرزن‌ها بروید نصف شب‌ها دعا کنید شاید به زودی برادر و فرزند ریشه ظلم نابود شود نمی‌دانید دل جامعه روحانیت این روزها چقدر داغ و زاری است سپس انصاری واعظ برای سلامتی و موفقت سربازان امام زمان و سلامتی مرجع عالی‌قدر دعا نمود»^۳

درکنار سخنرانی‌ها و منابری که در آن به وقایع قم اشاره می‌شد، مجموعه اقدامات دیگری نیز در سطح استان انجام گرفت که بیانگر تأثیر عمومی از وقایع قم بود. از اولین اقدامات در این خصوص باید به انتشار اعلامیه و تعطیلی بازار اشاره کرد. در سند زیر به اقدام تعدادی از نیروهای مذهبی برای تعطیلی بازار اشاره شده است:

«از امروز صبح مبادرت به نوشتن اعلامیه مضره دستی و بخشش آن وسیله افراد و محصلین در بازار و خیابان و مساجد و دکانین و مدارس نموده و در اعلامیه فوق چنین نوشته شده (به علت فاجعه عظمی که در تاریخ ۵۶/۱۰/۱۷ در قم اتفاق افتاد عده‌ای از شریف‌ترین افراد کشته شدند روز شنبه ۵۶/۱۱/۲۹ به گفته علما و مراجع بزرگ تعطیل عمومی اعلام می‌شود) و همچنین در بازار و خیابان راه افتاده‌اند و از کسبه خواسته‌اند که در روز شنبه ۳۶/۱۱/۲۹ مغازه‌های خود را تعطیل نمایند و از مسجد جامع و یا مسجد دیگر جمع گردند.»^۱

معطل اقامه نماز جماعت از دیگر اقدامات روحانیت در اعتراض به اوضاع جاری کشور بود. در کرمان سی و پنج روز از ۲۴ تا ۲۸ دی ماه تعطیل شده بودند. در اسناد این مجلد، بارها به این موضوع اشاره شده است. در سند زیر چگونگی این اقدام آمده است:

«در تاریخ ۳/۱۰/۱۳۵۶ پس از وعظ کرمان به نام‌های شیخ عباس حقیقی شیخ محمدرضا لبیبی، شیخ عباس فقیه و عده‌ای دیگر به منظور طرفداری از خمینی و اعتراض به مطبوعات در محل مدینه معصومیه کرمان اجتماع و برای تعطیل نمودن مساجد و تکایای کرمان و جلوگیری از برگزاری نماز جماعت و مجالس روضه صحبت‌هایی نموده‌اند و سرانجام برای تبادل نظر با شیخ علی‌اصغر صالحی تماس تلفنی گرفته‌اند که در مرحله اول به آنان پاسخ داده شد، مریض هستم لکن بنا به گفته شیخ عباس فقیه بعداً که به منزل نامبرده بالا آمده‌اند یادشده اظهار داشته اتفاقاً این موضوع را در نظر داشتیم و چنانچه از مکان‌های دیگر واعظی به کرمان دعوت نشود بهترین راه همین تعطیل نماز جماعت در همان مکان می‌باشد و اکنون از آن تاریخ در کلیه مساجد کرمان جز مسجد سرکار آقا، نماز جماعت برگزار نمی‌گردد»^۲

اسناد نشان می‌دهد که علاوه بر بازار و روحانیون دانشگاهیان نیز به تدریج به نهضت پیوسته‌اند. مهم‌ترین واکنش در این زمینه را باید در تعطیل دانشگاه کرمان به مناسبت چهلم شهدای قم دانست:

«کلیه دانشجویان دانشگاه و مدرسه علوم اداری و بازرگانی کرمان از ساعت ۱۰۰۰ روز

۱. سند مورخه ۱۳۵۶/۱۱/۱۷ فاقد شماره همین مجلد

۲. سند مورخه ۱۳۵۶/۱۰/۲۹ شماره ۸/۱۰۳۹۳ و نک: ۱۳۵۶/۱۰/۲۷ شماره ۱۰۳۶۹ هـ - ۱۳۵۶/۱۰/۲۷ شماره ۱۰۳۸۸ هـ

- ۱۳۵۶/۱۰/۲۹ شماره ۱۰۳۸۹ هـ - ۱۳۵۶/۱۱/۱۹ شماره ۱۳۴۳ ج ه همین مجلد

۳۶/۱۱/۲۹ با عنوان اینکه روز مذکور مصادف با روز چهارم گشته‌شدگان حادثه قم می‌باشد از رفتن به کلاس خودداری و بدون هیچ‌گونه تظاهری در محوطه دانشگاه پراکنده شده‌اند. اسامی محرکین با پیک تقدیم خواهد شد. ضمناً در سایر مؤسسات عالی آموزشی وضع عادی است.^۱

رژیم در این زمان برای کنترل مردم در برخی از شهرها اقدام به دستگیری و بازداشت برخی از فعالین و کنترل شدید مساجد کرد.^۲ با این وجود در همین رابطه نیز تعدادی اعلامیه و بیانیه از سوی روحانیت صادر شد. در اعلامیه زیر از مردم برای شرکت در مراسم چهارم در مساجد رفسنجان دعوت شده است.

«چهل روز از کشتار دسته جمعی مردم شرافتمند قم و طلاب علوم دینی می‌گذرد چهل روز است که می‌ماند. شهدا در ماتم بزرگ اشک می‌ریزند اجساد پاک شهدا تا به حال دفن نشده است این مصیبت بزرگ را به ساحت مقدس حضرت بقیه‌اله الاعظم و ملت شریف ایران و امت اسلامی تسلیت می‌گوییم و به پاس بزرگداشت یاد شهیدان و پیروی از منویات مراجع تقلید روحانیت روز شنبه از ساعت ۸/۵ الی ۱۱/۵ در مسجد حاج شریف رفسنجان اجتماع کردند تا بدین وسیله از حریم قرآن و تشیع و روحانیت آزاده و مترقی ایران دفاع کنیم و از آن حادثه غم‌انگیز نفرت و انزجار خود را اعلام داریم امیدواریم کسبه و تجار و دهقانان و پیشه‌وران و زحمت‌کشان با تعطیل مراکز کسب و کار در محفل مزبور شرکت نموده و همدردی خود را با حضرت ولی‌عصر اعلام دارند.»^۳

واکنش‌ها به چهارم شهدای قم محدود به صدور اعلامیه نشد و مردم در برخی از شهرها مانند رفسنجان به خیابان ریخته و دست به تظاهرات زدند. در این میان حضور دانش‌آموزان نیز در این تظاهرات و بازداشت تعدادی از آنها در نوع خود جالب است:

«در ساعت ۱۶۳۰ روز ۳۶/۱۱/۲۹ حدود چهل نفر از دختران دانش‌آموز دبیرستان

۱. سند مورخه ۱۳۵۶/۲۲/۲۹ شماره ۸/۱۰۸۲۹ هـ. همین مجلد. همچنین برای آگاهی از وضعیت دانشجویان و اقدامات آنها نک اسناد ۱۳۵۶/۱۲/۴ شماره ۸/۱۰۹۳۹ هـ. ۱۳۵۶/۱۲/۱۵ فاقد شماره در این مجلد

۲. در سند مورخه ۱۳۵۶/۱۲/۳ شماره ۱۰۸۹۶ هـ. آمده است: برای یادبود چهارم واقعه شهرستان قم قصد انجام برگزاری مراسم مذهبی از طرف خدام مساجد مذکور به ظاهر وجود داشته که به نحوی از طریق مراجع انتظامی محل جلوگیری شده است. اسناد مورخه ۳۶/۱۱/۲۹ شماره ۱۰۸۳۳ هـ. ۱۳۵۶/۱۱/۳۰ شماره ۳۷/۱۱۴۲-۰۲-۱۳۵۶/۱۲/۱ شماره ۵۷-۸۶-۱۳۵۶/۱۲/۳ شماره ۸۹۵-۱۰ هـ. ۱۳۵۶/۱۰/۲۱ شماره ۱۰۲۷۱ هـ. همین مجلد

۳. اعلامیه در همین مجلد آمده است. نک: ۱۳۵۶/۱۲/۳ شماره ۳۷-۵۱-۵۱ و تعدادی دیگر از اعلامیه‌هایی که در همین مجلد آمده است.

شهنواز رفسنجان پس از خروج از دبیرستان در خیابان به راه افتاده و ضمن اهانت به مقامات عالی‌ه مملکتی به نفع خمینی شعارهایی می‌دادند که ۱۲ نفر از افراد اصلی وسیله شهربانی رفسنجان دستگیر و با قید ضمانت آزاد و قرار است روز ۳۶/۱۱/۳۰ با پرونده به دادگاه رفسنجان اعزام شوند^۱

در این خصوص علاوه بر دستگیری و بازداشت تعدادی از دانش‌آموزان و کسانی که در تهیه و توزیع اعلامیه نقش داشتند، چند تن از روحانیون استان نیز تبعید شدند:

«به موقع از طرف مراجع انتظامی مردم متفرق و وعاظ افراطی مورد بحث به شهربانی ایت و ضمن تکمیل پرونده دو نفر به اسامی پورمحمدی ماهونگی و سیداحمد سادات خراسانی»^۲ بر رأی کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی هر کدام به ترتیب به ۲ سال ۱۵ ماه امانت اجباری در شهرهای زابل و بیجار محکوم و افراد دیگر به همراه پرونده به «۱۰»^۳ اعزام شده‌اند که سرانجام و نتایج تحقیقات به موقع به عرض خواهد رسید. مؤلف

نظریه سه‌شنبه: نظریه یکشنبه، صحت دارد در تاریخ ۳۶/۱۱/۳۰ جلسه کمیسیون امنیت اجتماعی در شهرستان رفسنجان جهت تبعید دو نفر از وعاظ افراطی و مزاحم تشکیل و حکم صادره درباره سیداحمد سادات خراسانی اجرا گردیده است.^۴

سایر موضوعات

در این مجلد علاوه بر موضوعاتی که در بالا به برخی از نمایان‌ها شده، اسناد و موضوعات متنوع دیگری نیز وجود دارد که برای شناخت فضاسازی سیاسی و انقلاب، اسناد قابل توجه هستند. از جمله این موارد می‌توان به فعالیت سیاسی در قالب کار فرهنگی در «م» اشاره کرد. بر اساس اسناد در سال ۱۳۵۶ چند نمایشنامه در مساجد استان برگزار شد که در آنها انتقادات تندی نسبت به رژیم صورت گرفت. «نمایشنامه بلال حبشی» و «مسلم بن عقیل» از جمله این نمایش‌ها بودند. در جریان این اجراها دانش‌آموزان و معلمان استان با بهره‌گیری از مضامین تاریخی به نقد رژیم پهلوی پرداختند.

«اخیراً یک نمایشنامه مذهبی به نام بلال حبشی توسط محمدرضا اسدی آموزگار در کرمان که اصلاً از اهالی خانوک و فردی مذهبی معرفی شده است با همکاری چند نفر

۱. سند مورخه ۱۳۵۶/۱۱/۳۰ شماره ۱۰۸۳۶/۱ و سند مورخه ۱۳۵۶/۱۲/۳ شماره ۱۰۹۰۲/۱ همین مجلد

۲. سند مورخه ۱۳۵۶/۱۲/۳ شماره ۱۰۸۹۷/۱ همین مجلد

از همکاران فرهنگی‌اش در کرمان در محل مسجد قریه خانوک ۲۵ کیلومتری زرند اجرا شده که عده‌ای از افراد مذهبی قریه نامبرده و همچنین نعمت‌اله صالحی امام جماعت مسجد مذکور تماشاچی این نمایشنامه بوده‌اند از نکات قابل توجه این نمایشنامه قسمتی بوده که تعدادی از بازیگران به مجسمه‌ای که گویا مورد پرستش آنها بوده مرتباً تعظیم و تکریم می‌کرده‌اند و این کنایه معنی‌داری از نمایشنامه مزبور بوده است.^۱

کنایه‌های مستتر در این نمایش را مامور ساواک اینگونه توصیف کرده است:

«نظریه جنبه: هدف از نمایش بلال حبشی به طوری که مشاهده شد این بوده که آنان به مردم بیاموزد که می‌رانند در برابر شکنجه و سختی‌ها تحمل نموده و چون بلال مقاوم باشند حتی در صورتیکه بدانند جانشان به مخاطره افتاده دست از ایمان و تبلیغ برندارند.»^۲

در نمایشنامه‌ی دیگری با عنوان «مسلم با عریل» از همین روش کنایه‌آمیز و سمبلیک علیه رژیم استفاده شده است:

«برای نمایش مورد بحث قسمتی از مهدیه که صدی آن ماشاله ابراهیمان کامیوندار سیرجانی می‌باشد برای اجرا آماده شده و روز اجرا کلیه بازیگران به لباس‌های عربی که قبلاً تهیه شده ملبس بوده‌اند و ابتدا آیاتی از کلام‌اله مجید تلاوت شده و توسط نوجوان ۱۵ ساله‌ای قطعه شعری به صورت دکلمه در مورد حضرت امام حسین خوانده شد سپس فردی که نقش مسلم را بازی می‌کرده گفتارش به اصطلاح به مردم ترجمه چنان بوده که من آمده‌ام شما را از یوغ استعمار خارج کنم، این دستگاه پوشالی را کنار ببریم، این مردم فدای پول می‌شود، مردم با هم متحد شوید و دین را از چنگال اینها رها سازید - در قسمت دوم نمایش که خود گلزاری در نقش عبیداله به صحنه آمده اظهار داشته که باید با پول یزید عده‌ای جاسوس و مأمور مخفی تهیه کنم تا از عملیات مسلم و دوستداران او به من اطلاع دهند در همین اثنا چراغ‌ها را خاموش کرده و همه به صورت گروهی اشعاری خوانده‌اند که به واسطه نامفهوم بود که کلمات کاملاً مفهومی نبوده و کلماتی مانند (سرمایه‌دار - اشراف - مالک) شنیده شده است و در پایان اشعار مورد بحث همه

۱. سند مورخه ۱۳۵۶/۹/۱۵ شماره ۵۳۵۹/ه ز همین مجلد

۲. سند مورخه ۱۳۵۶/۹/۱۷ شماره ۸/۹۷۸۴ ه همین مجلد

با صدای بلند کلمه آزادی را چندین مرتبه تکرار نموده‌اند.^۱

حمله به مراکز فرهنگی رژیم و تخریب مراکز فسق و فجور از دیگر موضوعاتی است که در این مجلد به آن اشاره شده است.^۲ در این مجموعه بارها به حمایت از امام (ره) در مراکز عمومی و محافل خصوصی اشاره شده و از کارگران ساده: «دو نفر از کارگران موردنظر از افراد عامی هوادار خمینی معرفی شده‌اند که بعضاً و در فرصت‌هایی به طور شفاهی از جنبه‌های مذهبی از خمینی حمایت و طرفداری می‌نمایند.»^۳ تا روحانیون و دانشگاہیان از امام حمایت می‌کردند:

در ساعت ۱۱۱۵ مورخه ۱۳۵۶/۱۰/۳۰ [۱۳۵۶] شیخ حسین نجفی واعظ بالای منبر رفته صالحي پیرامون اینکه روحانیون را تبعید و زندان می‌کنند و به مردم ظلم می‌شود اظهار و خطاب به جمعیت حاضر نموده است چرا نشست‌اید می‌خواهید حقتان را بخورند باید قیام کرد و حق خود را از دشمنان روحانیون که آنها را کشته‌اند بگیرد و در خاتمه برای خمینی دعا کرد در من نفرین می‌کند و بعد از او جوانی که بعداً معلوم شد غلامرضا صالحی آموزگار دبستان آباد، سه قریه نوق است.. اظهار داشته که من از طرف خود و اهالی سه قریه نوق پشتیبانی می‌کنم و اعلام می‌کنم که قیام کنیم همانند حسین ابن علی و مردم را تحریک و دعوت نموده که جان خود را در راه روحانیت و پشتیبانی از خمینی بدهید و در خاتمه برای خمینی دعا کرد به دشمنان او بدگویی نموده به طوری که مردم را تحت تأثیر قرار داده و در نتیجه مردم را تحریک کرد در خاتمه خطابه‌اش فریاد زده زنده باد خمینی و طرفدارانش و سپس به ۳۳ و ۶۶ به تحریک مردم نموده است. پس از خاتمه صحبت‌های غلامرضا صالحی شیخ محمدعلی انصاری (عظ) بالای منبر رفته و گفته‌های غلامرضا صالحی را تأیید و ضمن صحبت درباره یکی از دشماهان ساسانی و اینکه مرتباً در پی تفریح و عیش و نوش خود بوده و اطرافیان خود را نیاز می‌کرده است و از سیاست فعلی مملکت و نوشته‌های روزنامه اطلاعات در مورد خمینی انتقاد و مردم را تحریک به قیام و شورش نموده.^۴

این مقدمه را با سندی از اهالی دهستان بلورد سیرجان به پایان می‌بریم که در آن مردم با اجتماع در مسجد روستا به سخنرانی‌های امام (ره) گوش می‌داده‌اند:

۱. سند مورخه ۱۳۵۶/۱۰/۲۲ شماره ۸/۱۰۲۹۴ ه همین مجلد

۲. آتش‌زدن مشروب فروشی در جیرفت ۱۳۵۶/۱۰/۱ شماره ۸/۱۰۰۲۳ ه همین مجلد

۳. سند مورخه ۱۳۵۶/۱۰/۱۵ شماره ۱۳۵۶/۱۰/۲۳۱ ه همین مجلد

۴. سند مورخه ۱۳۵۶/۱۲/۷ شماره ۱۳۵۶/۱۰/۲۹ ه همین مجلد نک: ۳۶/۵۰/۱۰/۱۷۱/۱۷۶ شماره ۸/۱۰۳۸۷ ه و ۱۳۵۶/۱۰/۱۲ (فاقد شماره) که در آن مردم از روحانیون می‌خواهند برای سلامتی امام خمینی (ره) دعا کنند.

«در تاریخ ۳۶/۱۱/۲۹ ساعت ۰۹۰۰ شخصی به نام فاقفی یا فائقی کارمند دهستان بلورد سیرجان عده‌ای از اهالی بلورد را در مسجد این دهستان جمع و ضمن بخش‌نوازی از آیت‌اله خمینی بین صحبت‌های ایشان که از بلندگوی مسجد پخش می‌شده پشت بلندگو خطاب به اهالی بلورد می‌گوید: اهالی محترم بلورد امروز روز چهلم شهدای قم است به مسجد بیایید و برای شادی روح شهدای قم (منظورش اتفاق و ایجاد پلوائی که چندی قبل وسیله روحانیون در قم اتفاق افتاده بود) سوگواری کنید و از طرفی به سخنان ایشان عالی‌قدر خود حضرت آیت‌اله خمینی گوش فرا دهید که صدای وی از بلندگو به گوش تمام اهالی بلورد رسیده است»^۱